



رحمانی فضلی با چه کارویژه‌هایی به یکی از مهم‌ترین سفارتخانه‌های ایران می‌رود؟

آیا می‌توانیم روابط هدفمند و قابل انتفاع با چین داشته باشیم

روی دیوار چین



زهرا طبیبی

خبرنگار گروه سیاست

ده ماه بعد از شروع به کار دولت، سرانجام سفیر جدید ایران در چین مشخص شد. روز گذشته محمداقبر قالیباف این خبر را در صحن علنی مجلس اعلام کرد و پس از آن هم بقایای سخنگوی وزارت خارجه گفت که رحمانی‌فضلی به عنوان سفیر جدید ایران در چین راهی پکن خواهد شد. پیش از این در «فرهیختگان» نیز نوشته بودیم که رحمانی‌فضلی یکی از گزینه‌های جدی برای انتصاب به عنوان سفیر جدید ایران در چین است. رحمانی‌فضلی البته تقریباً در مواجهه با پرونده‌های ایران در سیاست خارجی، سابقه‌ای ندارد و تجربیات او در سیاست داخلی بیشتر در تأمین امنیت ملی پررنگ بوده است که سکانداری و وزارت کشور در دولت یازدهم و دوازدهم، آخرین و برجسته‌ترین مسئولیت او در فضای سیاسی بود، اما گفته می‌شود وزن سیاسی او و سطح ارتباطات او، مقدمه بهبود روابط با چین‌ها خواهد شد. رحمانی‌فضلی در شرایطی راهی پکن می‌شود که هم ایران و هم چین درگیر بحران‌هایی هستند، بحران‌هایی که مسئولیت رحمانی را در جایگاه سفارت مهم‌تر و سنگین‌تر می‌کند. در یک سمت ماجرا آمریکا کمپین فشار حداکثری و محدود کردن فروش نفت ایران را کلید زده است و در سمت دیگر هم شکاف‌های میان چین و آمریکا روز به روز بیشتر می‌شود. این رویدادها فرصت‌های زیادی را در اختیار دو کشور قرار می‌دهد که بتوانند از امکانات اقتصادی و سیاسی در راستای تقویت روابط استفاده کنند. در این میان نقش آفرینی و ابتکارات سفیر جدید ایران در پکن می‌تواند نقش مؤثری در تقویت این روابط و نقد کردن این امتیازات داشته باشد. در ادامه به بخشی از کارویژه‌های مهم پیش روی سفیر جدید اشاره کردیم که از نظر می‌گذرانید.

نقد کردن سرمایه‌گذاری‌های قرارداد ۲۵ساله

در پرونده روابط ایران و چین، برجسته‌ترین همکاری، امضای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین بود. توافقی که قرار بود نقشه راه همکاری بلندمدت دو کشور باشد. از زمان امضای این معاهده تا سال ۱۴۰۰ این قرارداد فقط روی کاغذ بود، اما دولت سیزدهم در مارس ۲۰۲۱ توافق را وارد فاز اجرایی کرد. افتتاح کنسولگری جدید ایران در بندرعباس گام اول برای اجرای این توافق‌نامه و شروع سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران بود. قرار بر این بود پروژه‌های توسعه میدانی گازی و نفتی با چینی‌ها کلید بخورد، توسعه خطوط ریلی نیز ازجمله موضوعاتی بود که در قالب قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین مورد توجه قرار گرفته بود. آنطور که شواهد نشان می‌دهد، تمام مفاد قرارداد هنوز اجرایی نشده و راه زیادی تا عملی شدن آن وجود دارد. موضوع کلیدی در روابط ایران و چین که در این قرارداد نیز مورد اشاره قرار گرفته، هدایت و تشویق چین به سرمایه‌گذاری در ایران است. در حال حاضر چینی‌ها به دنبال برجسته کردن نقش خود در آسیا، به سمت تقویت روابط با کشورهای همسایه حرکت کردند. این موضوع هم برای افزایش توانمندی آن‌ها در رقابت با آمریکا صورت گرفته و هم در چهارچوب برنامه مشخص و مدون‌سی که چینی‌ها برای توسعه‌ای آهسته‌تدوین کرده‌اند، صورت می‌گیرد. در این موقعیت استفاده از این فرصت برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های دو کشور در حوزه‌های زیرساختی این امکان را به ایران می‌دهد که در شرایط تحریمی، با اتکا به قدرت چین، توانمندی اقتصادی خود را افزایش دهد. این موضوع بدون ریزنی‌های دیپلماتیک محقق نخواهد شد و در همین چهارچوب، سفیر ایران در چین می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در فراهم کردن این بستر برای سرمایه‌گذاری و تقویت حسن نیت میان دو کشور داشته باشد.

مجید شاکری درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نگاهمان به روابط ایران و چین باید مبتنی بر سرمایه‌گذاری باشد

تجربه به ما می‌گوید، ضعیف بودن سفیر می‌تواند نقش مؤثری در تضعیف روابط داشته باشد، این موضوعی است که مجید شاکری، کارشناس اقتصاد سیاسی به آن اشاره می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد سفیر جدید بایستی تحرکات و ابتکارات بیشتری برای تقویت روابط با چین داشته باشد، اگرچه جایگاه سفیر، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت روابط داشته باشد، اما کم اهمیت



دانستن این جایگاه و عدم برنامه‌ریزی برای آن می‌تواند به همان میزان آسیب‌زننده باشد. با این موارد پرونده‌های مهمی پیشروی روابط دو کشور وجود دارد که سفیر هم می‌تواند در آن‌ها نقش آفرینی داشته باشد. مجید شاکری در بخشی از گفت‌وگویی که با ما داشته یکی از ضرورت‌های مهم در روابط میان ایران و چین را مهم شمردن روابط دو جانبه و تجارت دو جانبه و درک اهمیت آن تعریف کرده است؛ موضوعی که به‌نظر می‌رسد در حوزه تجارت بین‌الملل هنوز مورد توجه ایران قرار نگرفته است. شاکری الگوی روسیه در تجارت با چین را در این چهارچوب مثال می‌زند و گام‌های مهم پیش‌روی ایران در روابط با چین را مورد بررسی قرار می‌دهد، در ادامه مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذارانید.

تفاوت تجارت دو جانبه و تجارت بین‌الملل را درک کنیم

شاکری یکی از مهم‌ترین موضوعات در روابط ایران و چین را توجه به تقویت تجارت دو جانبه دانست و گفت: «مهم‌ترین نکته‌ای که هنوز در ایران درک نشده، تفاوت «تجارت دو جانبه» و «تجارت بین‌الملل» است. ایرانی‌ها علی‌رغم اینکه در تجارت بین‌الملل تحریم شدند، همچنان سعی می‌کنند که با قاعده تجارت بین‌الملل کار خودشان را ادامه دهند. یعنی به چینی‌ها نفت صادر کنند و پول حاصل از صادرات را آن‌هم در دورانی که فشار امارات مقداری بیشتر شده - بخشی از آن را در چین مصرف کنند و بخش دیگری را از چین به امارات بیاورند به درهم تبدیل کنند و برای مصارف خودشان به‌کار بگیرند، از جمله خرید کالا از چین. این شامل یک تجارت لجستیک آسیب‌پذیر و تسویه‌ای آسیب‌پذیر است. و از طرف دیگر، با افزایش سهم امارات - به‌عنوان تنها کشوری که ادعای تمامیت ارضی ما را دارد - خلاف جهت امنیت ملی ماست. در نقطه مقابل ما روش و زاویه‌ای است که روس‌ها استفاده

در این موقعیت، ایران می‌تواند از این تغییر فاز استفاده کند و به سمت تقویت تعاملات دفاعی و امنیتی با چینی‌ها حرکت کند. تقویت روابط در این حوزه با چینی‌ها می‌تواند از خالی شدن دست ایران برای اعمال فشار آمریکایی‌ها علیه ایران جلوگیری کند. این موضوع هم یکی از کارویژه‌های مهم در پرونده ایران و چین است که سفیر جدید می‌تواند برای تحقق آن اقداماتی مهم انجام دهد.

فعال کردن دیپلماسی عمومی را جدی بگیرید

تقویت دیپلماسی فرهنگی و برنامه‌ریزی برای آن یکی از مواردی است که سفر با تحقق به‌جا و درست آن می‌تواند در تقویت روابط دو جانبه و افزایش حسن‌نیت‌ها مؤثر باشند. در این موضوع خاص هم چند کارویژه اصلی در دستور کار سفیر جدید قرار دارد. نکته اول اهتمام به استفاده از ابزار رسانه و توجه به جنگ روانی رقبا است. هم‌زمان با آنکه تلاش‌هایی از سوی دستگاه دیپلماسی برای تقویت روابط با چین صورت می‌گیرد، رسانه‌های معاند و فارسی‌زبان ماشین دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی در مورد روابط ایران و چین را کلید می‌زنند و تلاش می‌کنند احساس منفی میان افکار عمومی ایران در مورد این روابط ایجاد کنند. موضوع مهمی که عموماً از جانب دستگاه دیپلماسی ایران مورد غفلت قرار می‌گیرد و شامل پرونده چین هم می‌شود، استفاده از ابزار رسانه برای هدایت افکار عمومی و اثبات این گزاره است که روابط دو کشور چه فرصت‌هایی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که به‌نظر می‌رسد لازم است دستگاه دیپلماسی برای آن برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مشخص داشته باشد. استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور می‌تواند یکی از فرصت‌های مناسب باشد که اثر مستقیم آن در حوزه سیاسی نیز خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این در حوزه‌های علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی نیز می‌توان از تبادل مثبث در روابط دو جانبه استفاده کرد. استفاده از ظرفیت دانشگاه‌های چین و انجام پروژه‌های مشترک در تقویت روابط سیاسی دو جانبه هم بی‌تأثیر نخواهد بود. براین اساس یکی از کارویژه‌های مهم پیش‌روی سفیر جدید، تعریف و سیاستگذاری در حوزه دیپلماسی عمومی در تقویت روابط دو جانبه با چین است.

از ظرفیت‌های جایگاه سفیر استفاده کنید

در دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران این موضوع مورد انتقاد قرار دارد که دستگاه سیاست خارجی ایران آنطور که باید از ظرفیت‌های سفارتخانه‌ها در کشورها استفاده نمی‌کند و برای آن برنامه‌ریزی مشخصی ندارد. بخشی از این موضوع به انتخاب سفیر و بخشی هم به عدم وجود برنامه و سیاستگذاری مشخص برمی‌گردد. سفارتخانه ایران در چین هم از این قاعده مستثنی نیست. این نقد از جانب کارشناسان و متخصصان وجود دارد که در سال‌های گذشته، سفر آنطور که باید برنامه‌ریزی و اقدام جدی برای تقویت روابط و گسترش آن ایفا نکردند. به این منظور روابط ایران و چین در سال‌های گذشته در ریل مورد نظر حرکت نکرد و ایران در مواردی از بازیگری فعال در کنار چین باز ماند. این گزاره را نباید انکار کرد که علاوه بر آنکه دولت باید برنامه‌ریزی و جدیت در تقویت روابط با چین و عملیاتی کردن آن داشته باشد، ابتکارات سفیر و توانمندی‌های شخصی او می‌تواند نقش مؤثری در تقویت روابط با این کشور که تعاملات استراتژیک هم با ایران دارد، داشته باشد. به این منظور انتظار می‌رود سفیر جدید ایران با استفاده از ظرفیت‌های سفارتخانه و به‌کارگیری ابزارهای رایزنی، نقشی کلیدی را در تقویت و گسترش روابط با چین در میانه این وضعیت پر آشوب اتخاذ کند. تقویت این روابط در میانه مذاکرات ایران و آمریکا، ابزار قوی در اختیار ایران قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که طرف آمریکایی با فشار و تهدید ایران را مجبور به پذیرش شروط اعدایی خود کند.

باید بتوانیم بر سسریک برنامه معقول و یک فهرست معقول از پروژه‌ها - برای طرفین توافق کنیم که یک گام مهم در مرحله بعد خواهد بود. »

باید یاد بگیریم روابط دو جانبه قوی ایجاد کنیم

شاکری معتقد است تا زمانی که اهمیت تقویت روابط دو جانبه را درک نکنیم، نمی‌توانیم روابط چندجانبه قوی ایجاد کنیم و گفت: «اگر درک کنیم که روابط ایران و چین در دوره جدید - علی‌رغم اینکه تحریم‌ها، خصوصاً از سال ۹۷، اصلاً برای این طراحی شدند که روابط ما بین ایران و چین را تحت تأثیر قرار بدهند - اما اگر درک کنیم که آن تحریم‌ها در حوزه تجارت بین‌الملل و عاملیت‌های بین‌الملل کار می‌کنند؛ اما در کارکرد دو جانبه کار نمی‌کنند، تازه به‌گام بعد خواهیم رفت. باید یاد بگیریم چیزهایی مثل عضویت در بریکس و شانگهای (شالک) به خودی خود نه ارزش دارند، نه اولویت. اگر نتوانیم روابط دو جانبه قوی با کشورها ایجاد کنیم، هرگز روابط چندجانبه قوی هم نمی‌توانیم ایجاد کنیم.»

تجربه می‌گوید ضعیف بودن سفیر در تخریب روابط مؤثر بوده است

مجید شاکری در مورد فرصت‌هایی که پیش‌روی سفیر جدید وجود دارد نیز گفت: «تجربه سفارت آقای بختیار و سفارت آقای کشاورز زاده به ما می‌گوید که ضعیف بودن سفیر، بسیار بر تخریب روابط طرفین مؤثر بوده است و اینکه آقای رحمانی‌فضلی یک وزن سیاسی بالاتری دارند، علی‌رغم اینکه ایشان تخصصی در این حوزه به‌صورت مستقیم ندارند، یک گام به جلو است. اما اگر او بخواهد همان رویکرد دو سفیر قبلی را در چین ادامه دهد، رویه گذشته ادامه خواهد داشت. ممکن است با توجه به وزن سیاسی بالاتر آقای رحمانی‌فضلی، آثار بزرگ‌تری هم داشته باشد. اما مجموعاً رفتن آقای رحمانی به چین را با توجه به دسترسی‌های سطح بالایی که در تهران دارد مفید ارزیابی می‌کنم.»